



و بش دارد و باز هم تحول فرمودند. حالا اگر تحول نمی فرمودند چکار می کردند؟! حالا خوشمزه است که می آید یک چیزهایی را از دیگران می گیرد مثل این جنبش همگانی مثل اینکه می گویند سوراخ دعا را بلد نیست نمی داند که چگونه بکار ببرد. یک حرفهایی می زند که آدمی را که یک مقدار بفهمد مسائل را خنده اش می گیرد از این ناپختگی این جوان. بله به هر حال اگر ایشان بخواهد به عنوان شهروند ایرانی تحول کند اول شایسته است که پوزش بطلبد. بابا الان در دولت بلژیک در مجلس بلژیک نشستند ببینند که چگونه از گذشته استعماری خودشان پوزش بطلبند. فرانسه نسبت به گذشته خود در آفریقا پوزش می طلبد. شما شهروند شدی تحول کردی حاضر نیستی هیچ پوزشی نسبت به گذشته خانواده ات بخواهی طلبکار هم هستی... کردیم که ایران ایرانستان نشده خوب این طلبکاری است دیگر. خود ارباب پوزش می خواهد سرکار می فرمائید که اگر کودتا نمی کردید ایران می شد ایرانستان حالا که خود روسیه هم نماند. پس نمی شناختی وضع دنیا را. نمی دانستی چه جوری تحمل می کند. به هر حال به حرف

بنی صدر خطاب به رضا شاه دوم

آخر کدام ملتی استغراغ خودش را می خورد؟!؟

بگیرند. آن آدم بینوا نه آن را کرد و نه این را. خوب این مصدق را که شما می فرمائید طرفدار مشروطه بود چه بهتر. شما نه شما البته خطاب به آنها است - پس شما به قول خودتان بر علیه کسی که طرفدار سلطنت بود و قلبا هم معتقد بوده است کودتا فرمودید. پس شما ضد مشروطه هستید که حالا مدعی اش شده اید آقا. پس اینکه می گوئید مشروطه خواه دروغ می گوئید دیگر! چون دستت از همه جا کوتاه است مشروطه خواه شدید! والا مشروطه را که اول بنیانگذار پهلوی به گور برد و بعد هم آقا زاده ایشان. دیگر چند دفعه مشروطه را دفن می کنید؟ یک دفعه پدر و یک دفعه پسر دفن کردید! حالا دارید از مصدق برای مشروعیت سلطنت توجیه درست می کنید! به تو چه؟ حالا بسیار خوب سلطنت هم مشروع به تو چه؟ آن کدام شاه است که مشخصات سنتی سلطنت در ایران را داشته باشد؟ خوب شما برانداختید آن را آن بساط را از بین بردید. یک. دو تازه آن استبداد بود. به چه مناسبت جمهوری مردم یک ملت حق ندارند صاحب حاکمیت بشوند و بر سرنوشت خویش ولایت داشته باشند حق دارند آقا!!

ادامه دارد

جواب پرویز قاضی سعید و نامه های مردم به بنی صدر در صفحه بعد (۶۲)

- گفتم من حاضرم وارد یک ابتلاء شوم. چون ابتلاء روش صحیح در کار اجتماعی است. یعنی این مصاحبه را می پذیرم اما همین طور که با شما حرف می زنم ملاحظه اینکه این آقا سلطنت طلب است. پهلوی طلب است نمی کنم - مقداری هم شروع کرد به تعریف خیال می کرد که من ما خود به حیا می شوم و این تعریف در مزاج من موثر می شود و من مثلث زورپرست را نخواهم گفت

نفث را تمام نکنید ما او را سرنگون می کنیم بهتر نفث را به نفع شما تمام می کنم. این کتاب خاطرات آقای ایدن هست. بابا یک مقدار حیا کنید. آقای دکتر نراقی گفت که کسی از همان روزنامه نگاران طرفدار شاه در همان زمان که دکتر مصدق از دنیا رفته بود. لوموند یک مقاله نوشته بود که معاصر کوروش کبیر در گذشت این عنوان مقاله لوموند بود که در او تمام غرور و عظمت ایران بود. گفت که (من حالا نامش یادم نیست. به دکتر نراقی مراجعه کنید بلکه او یادش باشد) من وقتی مصدق درگذشت تمام شب خوابم نبرد. از خودم می پرسیدم اولین بار که من به عنوان ایرانی و تنها بار احساس غرور کردم چه وقت بود دیدم دوره مصدق بود.

رفتم پیش علم گفتم آقا این مصدق بالاخره ایرانی است و غرور ایرانی است. این مبارزه است و این چیزها و مظهرش هم او است حالا هم که از دنیا رفته است. اگر از من می شنوید اعلیحضرت خود برای او فاتحه بگیرد وگرنه اقلا بگذارند برای او یک فاتحه

استدلال عجیب و غریبی است که با شاه بر ضد مصدق کودتا کردند چون او طرفدار سلطنت بود. بنام به این استدلال. می گویند دروغ بدون تناقض نمی شود آخر تناقض به این آشکاری یک. دو اینکه مصدق می گفت شاه سلطنت کند نه حکومت. در دادگاه هم گفت. خوب اگر شاه حاضر می شد سلطنت کند و حکومت نکند کودتای ۲۸ مرداد هم واقع نمی شد و دومین تجربه ایران که جنبش ملی کردن نفت بود به نتیجه می رسید. و ما هم الان این بحث ها را نداشتیم. نداشتیم تمام بود و ما هم در تبعید نبودیم و در وطن خودمان داشتیم زندگی می کردیم.

خوب شما آن تجربه را بهم زدید. شما نگذاشتید آن مشروطه بشود شما کودتا کردید بر ضد آن مشروطه آقای محترم. آمریکا چکار داشت شما رفتید آمریکا را آوردید ایران. آقا این نخست وزیر انگلیس ایدن می گوید آقای سهیلی سفیر ایران آمد پیش من گفت اعلیحضرت پیغام می دهند که شما با مصدق

نیست این جور چیزها با عمل است. به عمل معلوم می شود که انسان تحول کرده است یا نه. حالا من در همین زمینه مصدق دو سوال مشخص مطرح می کنم. یکی اینکه به نظر می رسد در افرادی که مدافع وضعیت دوره آخر سلطنت پهلوی هستند و بودند در آن زمان حالا روزنامه نگار یا به هر شکل دیگری نظر جدیدی مطرح کردند. بر این اساس که اولاً اشتباهی را که در مورد دکتر مصدق انجام شد می پذیریم و این کار به نوعی واجد اشکال بود اما مصدق هم آن چیزی که شما می گوئید و گروه ها و جنبش های ملی می گویند نبود. مصدق خودش فردی بسیار باورمند به نظام شاهنشاهی در ایران که هیچگاه حاضر نشد که این اعتقاد قلبی خودش را اعتقاد و نظر خودش را از دست بدهد. و اصولاً آمریکائیا به این خاطر مصدق را بردند و به این خاطر به مصدق برخورد شد که مصدق قلبا به نظام مشروطه و نظام شاهنشاهی در ایران باورمند بود. این مطلبی بود که در هفته های گذشته به گرات

- حرفهای خنده دار دیگری است از حرفهایی که این آقایان می نشینند و ذهن به اصطلاح بسته شان می سازد. اولاً آمریکائیا چرا می خواستند مشروط نباشد که او را بردند اگر می خواستند چرا شاه را نبردند آخر این که

چند هفته گذشته گفتگوی بین راشدان با دکتر بنی صدر نخستین رئیس جمهور اسلامی منتشر شد که نظرات گوناگونی را در سطح جهان برانگیخت .

جدا از آنچه که ایشان در مصاحبات خود گفته اند نوع برخورد وی و شکل بیان اظهارات ایشان که توهین آلود و مغرضانه به نظر می رسد حیرت بسیاری را برانگیخته است . تهران با چاپ بخش هایی از این مصاحبه، در شماره های آینده نظرات رسیده در این زمینه را منتشر خواهد کرد. شما هم میتوانید نظریات خود را برای چاپ به دفتر مجله ارسال دارید .

قسمت نهم

ملاحظه اینکه این آقا سلطنت طلب است. پهلوی طلب است نمی کنم. صحبتیم را آنچه که که حق می دانم می گویم. گفتند البته ایرادی نیست. گفتیم اگر اینها راست بگویند و تحول کنند سانسور نخواهد بود و ادامه خواهد یافت. اگر دروغ بگویند که خودشان را رسوا خواهند کرد. تا رسید به ۴۰ روز پیش. رادیو ۲۴ ساعته صدای ایران متنی را فرستاد و گفت این ۱۰ اصل است. من هیچ وقت رسم نبود که به این چیزها

خاندان پهلوی یا تحقیر یک ملت؟

تعریف در مزاج من موثر می شود و من مثلث زورپرست را نخواهم گفت. گفتیم که آقا اول قرار نبود بر کنفرانس. می دانستید که من در کنفرانس هایی از این نوع قطعاً شرکت نمی کنم. این خلاف اول شما. قرار نبود که وصل به رادیو باشد که تمام دنیا بشوند این هم خلاف دوم شما. حالا که وصل شده بسیار خوب. حرف من این است که این سه راس مثلث زورپرست نباید باشند.

درجا هیچ معطل نکردند آن آقای تورج فرازمنند شروع کرد به فحش دادن یعنی بعد از اینکه من قطع کردم. از آنروز همین طور دارند فحش می دهند و آن رادیوی دیگر هم سانسور را شروع کرد یعنی معلوم شد که نه اینها همان خدمه استبداد هستند. دستشان رو شد. این آقای شهروند این است رویه اش! آنهم پول هایی که من نمی گویم لس آنجلس تایمز نوشته که سیا رفته لس آنجلس برای سیا ایرانی استخدام می کنند و خرج را برای برنامه به ایران می دهد. شهروندی ایشان در این حدود است. اگر اسم این شهروندی است بهتر است که همان شهروند آمریکا بمانند! همان جا برایشان بهتر است کاری هم به کار ایران نداشته باشند و زندگیشان را بکنند. اما اگر شهروند ایران بخواهد بشود اتفاقاً آن مصاحبه ای که آن رادیوی دومی کرد که می گفت نخیر آن بیخود ناسزا می گویند و ما پخش می کنیم مقداری هم راجع به آقای رضا پهلوی پرسید. گفتند ایشان می گویند تحول کرده است. گفتیم آقا این چه جور تحولی است که از روزی که ما آمدیم به مهاجرت می بینیم که دفتر ایشان دست فراماسونهاست. دور و برایشان فراماسون ها. فاسدترین آدم ها مثل همین آقای تورج فرازمنند! آخر آدمی که تحول بکند خوب اینها را می گوید بروید بی کارتان می رود دنبال آدمهای سالم. چطور شد که با همان آدم هایی که بابایش را به روز سیاه نشانند با همانها خوش



که گروههای سیاسی تهیه می کنند بپردازم. برای اینکه می گویم هر کس فعالیت خودش را بکند و ما هم وارد نشویم به اینکه این خوب است یا بد. این در تجربه معلوم می شود. آنوقت دائم باید جنگ اعصاب بکنیم. هر کس حرف خود را بزند و به این ترتیب اندیشه جریان پیدا می کند. دو بار سه بار تلفن کردند که آقا حتماً نظر خود را نسبت به ۱۰ اصل بگوئید. من هم خیلی مختصر نوشتم که خلاصه اش این است که اصل اساسی شما این است که ولایت مطلقه ای بر محور مصالح ملی می خواهید یعنی می خواهید استبداد را بازگردانید در شکل جدید. یعنی برگردید به رژیم سابق.

آقای مروتی به من تلفن کرد که آقا ما جلسه داریم این حرف را شما در تلفن بگوئید. آن جلسه بشنوند. گفتیم نه آقا من اینها را نوشته ام. گفت نه ما می خواهیم یک شورای رهبری درست کنیم نظر خود را بگوئید. گفتیم این شورا! اگر بخواهد مردم ایران عمل بکند به عنوان کسی که امور کشور خویش را مطالعه می کند می گویم بخواهد مردم ایران عمل کنند

بعد هم بگوئید که من به عنوان شهروند حق فعالیت دارم؟ مثلاً اگر در فرانسه بود یک فرانسوی چنین صحبتی می کرد که این آقا می فرمایند این فرانسوی ها او را روی سرشان می گذاشتند و حلوا حلوا می کردند انصافاً اصلاً اجازه میدادند غیر از اینکه او را به دادگاه می بردند و محاکمه اش میکردند که تو به یک ملتی توهین کردی کار دیگری با او می کردند حالا به عنوان شهروند می خواهی فعالیت کنی می گوئی مردم سالاری دیگر این آقایان دو رادیو دارند در لس آنجلس. یکی رادیو ۲۴ ساعته صدای ایران و یکی هم رادیو صدای ملی ایران.

عرض کنم به شما که من حاضر نمی شدم با اینگونه چیزها هیچ وقت مصاحبه کنم. بعد دوستان من در آمریکا گفتند اینها دارند میانه رو ... و دارند تغییر می کنند و باید به آنها کمک کرد که تغییر کنند و تحول کنند. گفتیم من حاضرم وارد یک ابتلاء شوم. چون ابتلاء روش صحیح در کار اجتماعی است. یعنی این مصاحبه را می پذیرم اما همین طور که با شما حرف می زنم

ایشان (رضا شاه دوم) می گویند که رهبری مبارزات مردم را هماهنگ کننده

- می دانم! کی از شما این تقاضا را کرده است شما می گوئی شهروند! پس تو از مقام رهبری پائین نمی آیی. به عنوان شهروند تنها مقامی که برای خود قائلی رهبری است! آنهمه مردم باید تقاضا کنند. یک. دو اینکه آقا در این ایتالیای برلوسکونی که سرمقاله لوموند دیپلماتیک می گوید ایشان می خواند فاشیسم جدید را در آن جا برقرار بفرمایند اجازه دادند که خانواده سلطنتی ایتالیا برگردند به ایتالیا. که آن خانواده سابقه نوکری اجنبی را هم نداشت و هست و نیست ایتالیا را هم ندزیده و بیرون نبرده است.

خیلی کارهای دیگر را هم نکرده است. این جنایاتی هم که خانواده پهلوی کردند کشتارها اعدام ها اینها را هم نکردند. شرطش این است که جمهوری را بپذیرد و بیاید درست خوب آقا یک ملت انقلاب کرده شما می گوئید روز سیاه که تاریخ ایران! تو چطور می خواهی به عنوان شهروند کدام ملتی اجازه می دهد که به یک آدم رانده شده ای که ملتی در یک انقلاب او را رانده تا این حد جسور و تحقیرآمیز نسبت به انقلاب آن ملت و حرکت آن ملت حرف بزند و

